

جوانی یعنی موسم خدمت



استاد سطوح عالی حوزه علمیه و پژوهشگر حجرات الاسلام و المسلمین عبدالکریم پاک‌بنا

در منابع روایی دین اسلام از معارف اهل بیت^(ع) و آنچه از ایشان برای ما به جای مانده است، درباره جوانان، نکات و آموزه‌های متعددی وجود دارد، نکاتی که با رعایت آن‌ها، می‌توانیم سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کنیم؛ نکاتی که می‌تواند الگوی عمل و تعامل با نسل جوان قرار بگیرد و فرصت استفاده بهینه از فصل جوانی را فراهم کند. این‌باور را که دوره جوانی با توجه به پاکی قلب و جان، می‌تواند فرصتی طلایی برای اصلاح خود و اندوختن و یادگیری آموزه‌های اخلاقی و دینی باشد، باید مدنظر قرار بد هیم و از این دوران بهترین استفاده را ببریم.

توصیه امام‌علی^(ع) درباره جوانان

استفاده از نظر و رأی جوانان، درس دیگری است که حضرات معصوم^(ع) به ما داده‌اند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه کن، زیرا آنان، ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری کنند، عاقبت آن را بپسینند و راه بهتر را انتخاب کنند؛

چراکه تجربه آنان بیشتر است» (شرح نهج البلاغه ابن ابی حدید، ج ۲، ص ۳۳۷). جوان دارای خصوصیات عاطفی، جسمانی و روحی ویژه‌ای است. تنوع رفتاری، هیجانات شدید، تمایل فراوان به رفاقت، الگوپذیری از گروه‌های مرجع، تشخیص طلبی، میل به آزادی و استقلال و افتخار به شخصیت، از خصوصیات است که در تعامل و تربیت جوان باید مدنظر باشد؛ برای همین هم در روایات بر تربیت و تعامل با نسل جوان تأکید بسیار شده است، حتی بنابر روایات، مؤمن طاق از دوستان امام صادق^(ع)، مورد خطاب حضرت قرار گرفت و به وی فرمودند: «بر شما یاد تربیت نوجوانان و جوانان؛ چرا که خوبی‌ها را سریع می‌پذیرند و در آن‌ها بهتر می‌توان تأثیر کرد».

جوانی را غنیمت بشمارید!

اما این طور نیست که همه ظرفیت‌های جوانی به دست‌دیگران فعال شود، بلکه جوان خود هم باید برنامه و عمل و فکر داشته باشد تا از این فرصت تکرارناشدنی، بهترین استفاده را ببرد؛ چنان‌که پیامبر^(ص) به‌یادآور فرمودند: «قبل از میان‌سالی، جوانی را غنیمت بشمارا!». این یعنی جوانی سریع می‌گذرد و اگر مراقب نباشیم، فرصتی گران‌بهار از دست می‌دهیم؛ به همین دلیل کسب علم، فضایل، جایگاه، شغل و تشکیل خانواده باید در این دوران زودگذر دنبال شود؛ وگرنه انسان دچار ضرر و پشیمانی می‌شود. اهمیت توجه به فرصت جوانی به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «انسان، در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آنکه از او درباره چهار چیز پرسیده می‌شود: از عمرش که چگونه گذرانده است، از جوانی‌اش که چگونه سپری کرده، از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل بیت^(ع) (خصل، ص ۲۵۳).

یاری با همه وجود

سبک زندگی جوانان هم مدنظر اهل بیت^(ع) بوده است و به‌ برنامه داده‌اند؛ امام صادق^(ع)، هشام‌بن حکم، از شاگردانشان، را با اینکه هنوز محاسن بر صورت نداشت، الگو معرفی کردند و فرمودند: «وی با قلب و زبان و همه وجودش به ما یاری می‌رساند»؛ جوان باید همه وجود خود را وقف امام و ولی زمان خود بکند. جوان در دفاع از فضایل و معارف، باید پویا و فعال و خستگی‌ناپذیر باشد و این چنین، مشمول رضایت امام زمان^(ع) قرار می‌گیرد. جذب جوانان، رویکرد پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) بوده است و آن حضرات به جوانان بها می‌دادند و همین باعث می‌شد که جوانانی مثل هشام تربیت شوند، برای مثال رسول خدا^(ص)، عتاب‌بن اسید را که جوانی بیست و یک‌ساله بود، به فرمانداری مکه منصوب کردند و به او فرمان دادند که امامت جماعت مردم را نیز به عهده بگیرد. یعنی نخستین فرماندار بعد از فتح مکه، یک جوان بود و او در این شهر، نماز جماعت برگزار کرد. رسول خدا^(ص) به او فرمودند: «ای عتاب! می‌دانی تو را بر چه کسانی فرماندار کرده‌ام؟ تو را بر مردم شهر خدای عزوجل، فرماندار کرده‌ام و البته اگر کسی بهتر از تو سراغ داشت، او را فرماندار آنان قرار می‌دادم». آن حضرت سپس به اهل مکه نوشتند: «مبادا کسی در نافرمانی از او، به کم‌سن بودنش استدلال کند، چرا که بزرگ‌تر، شایسته‌تر نیست، بلکه شایسته‌تر، بزرگ‌تر است» (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۳).

بردار و بخوان

این پنج تن

در دین مبین اسلام، تربیت و پرورش، یکی از ارکان مهم است. بی شک تربیت بدون معرفی الگوهای واقعی و آشنا ممکن نیست. پرواضح است که الگوهای دین اسلام، پیامبر خدا^(ص) و جانشینان معصوم ایشان هستند، همچنان‌که پیامبر خدا، حضرت رسول^(ص)، خود بر اهمیت اهل بیت^(ع) تأکید کرده‌اند. از این بابت هرچه بیشتر و بهتر درباره این الگوهای جاودانه سخن گفته شود و زوایای بیشتری از زندگانی آنان آشکار شود، به اهداف دین نزدیک‌تر می‌شویم. بر همین پایه، یکی از فعالیت‌های ضروری و بایسته دینی، ترسیم درست و علمی زندگانی معصومان^(ع) است. تاکنون آثار بسیاری در این زمینه به زبان‌های مختلف، تولید و نشر شده است. اما همچنان جای آثار خواندنی و دید‌گشا خالی است. اثر حاضر، زندگی این بزرگواران را به زبانی ساده و روان و با محتوایی مستند و سرشار از نکته‌های دانستنی، گزارش می‌کند.

درباره نویسنده اثر خوب است بدانید که رضا بابایی متولد یکم خرداد ۱۳۴۳ در قزوین و درگذشته ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ در قم، نویسنده، دین پژوه، مولوی‌شناس و روشن فکر دینی بود. او تا پایان دبیرستان در قزوین تحصیل کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه شد و درس حوزوی راتا سطوح عالی ادامه داد. وی بارها در جبهه‌های جنگ ایران و عراق حضور یافت. از سال ۱۳۷۸ تدبیس فلسفه، متون عرفانی، ادبیات فارسی و عرب را در دانشگاه‌ها آغاز کرد. برگزاری بیش از سی دوره آموزش نویسندگی در قم، تهران و شهرهای دیگر، بخشی از کارنامه علمی اوست.

کتاب او در پنج فصل تألیف شده است؛

فصل اول: در این فصل، نویسنده به پیامبر اسلام^(ص) به‌عنوان برگزیده خداوند پرداخته است و از ادگاه و خاندان ایشان، مرگ مادرشان، ازدواجشان با حضرت خدیجه^(ص)، بعثت، هجرت، تبعید، جنگ‌ها و فتح مکه و... سخن گفته و نیز از سیما و سیره حضرت محمد^(ص) گفته است.

فصل دوم: محتوای این فصل درمورد حضرت علی^(ع) و پاره‌ای از اتفاقات و رخداد‌های سیره ایشان است.

فصل سوم: این بخش از کتاب درباره حضرت فاطمه^(ص)، بانوی بزرگ و برتر دین اسلام، است.

فصل چهارم: در این فصل، سرگذشت امام حسن مجتبی^(ع) و ظلم و جوری که در آن زمانه به ایشان روا شد، بررسی می‌شود.

فصل پنجم: در این فصل، نویسنده به امام حسین^(ع) و شرح وقایع عاشورا پرداخته است.

در متن ناشر درباره کتاب آمده است:

«در برخی منابع، قرارداد به‌گونه‌ای ثبت شده است که طبق آن،

معاویه ملزم بوده است که سالانه مبلغ هنگفتی به امام حسن^(ع)

بپردازد. این بند از قرارداد در برخی از منابع نیست و در شماری از متون آمده است که امام حسن مجتبی^(ع) درباره دریافت مبلغ سالیانه فرموده است:

«مقرر شد معاویه سالانه مقداری پول برای کمک به خانواده‌های

شه‌دار در جنگ‌های جمل و صفین بپردازد».

گفتنی است؛ امام حسن^(ع) هیچ‌گاه به معاویه اعتماد نکرد.

کتاب «این پنج تن»، به‌قلم مرحوم رضا بابایی است. مؤلف در این کتاب، رویدادهای بسیار مهم و درس‌آموز تاریخی را از مهم‌ترین منابع، ذکر و گزارش کرده است»



۱۴



آمنه مستقیمی در بحبوحه روزمرگی‌ها و شرایط مختلفی که خودآگاه و ناخودآگاه ما را به سمت گناه و خطا سوق می‌دهد و گاه هم موفق می‌شوند انسان را مبتلاکنند. نیاز است راه چاره‌ای باشد تا امیدمان را از دست ندهیم و بدانیم که از مسیر بندگی و شعاع رحمت خداوند خارج نشده‌ایم، بلکه همت لازم است تا از دور برگردانی که خدا چاره کرده است، که همان توبه و درخواست استغفار است به‌سویش بازگردیم و گره پیوندمان با او را محکم کنیم. با استاد ابوالفضل بهرام‌پور، مترجم و مفسر قرآن و صاحب تفسیر «نسییم حیات»، درباره آیات امیدبخش قرآن گفت‌وگو کرده‌ایم.

آیه‌ای امیدوارکننده

همه آیاتی که موضوع توبه و قبولی آن از سوی خدا را مطرح می‌کنند، چیزی فراتر از امید را به انسان عرضه می‌کنند و به او رحمت و بخشش خداوند را یادآوری می‌کنند. حضرت آدم^(ع) به‌عنوان پدر بشر و انسان اول، بعد از هبوط به زمین، چهل شبانه‌روز دائم گریه می‌کرد، چون گناه را همچون تبری می‌دانست که از کمان رها شده است و آب رفته دیگر به جوی بازمی‌گردد، درحالی‌که از ابتدا تقدیر و رأی الهی بر این بود که ما به زمین بپیاییم. آداب زندگی و بندگی را یاد بگیریم و به جای بیاوریم و دوباره نزد خدا و به بهشت بازگردیم.

دکتر بهرام‌پور:

همین که در دل پشیمان شویم و از گناه لذت نبریم و اذیت شویم، توبه کرده‌ایم

دلیل غم و غصه آدم ابوالبشر

دلیل آن همه ناراحتی و غم حضرت آدم^(ع) این بود که می‌پنداشت چون گناه ترک اولی کرده است، دیگر بخشیده نمی‌شود اما وقتی خدا به او فرمود: اگر به گناهت اقرار و توبه کنی، به‌طوری‌که دیگر تکرار نشود، بخشیده می‌شوی، تعجب کرد و از خدا دستورالعمل‌هایی دریافت کرد که همان اقرار به گناه، توبه و خضوع در درگاه الهی بود و خدا هم او را بخشید؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: **مَنْ رَزَقْنَاهُ أَدَمٌ مِنْ نَرْقٍ كَلِمَاتٍ فَنَابَ عَلَيْهِ** (بقره، ۳۷).

بهترین بندگان در نگاه قرآن

آیه دیگری که با نگاه به موضوع توبه، امیدواری را به بهترین شکل به بندگان یادآوری می‌کند، وقتی است که خداوند در وصف حضرت سلیمان^(ع) می‌فرماید: **وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ**؛ ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا او بسیار توبه‌کننده بود^(ص)، ۳۰). در زبان عربی، واژه نعمه جایی به‌کار می‌رود که از چیزی به اندازه‌ای خوشمان بیاید که مجذوبش شویم. آوَّاب هم از ریشه اوب یعنی کنیزالرجوع و فردی است که دقیقه‌به‌دقیقه به خدا رجوع و هرجا خطایی می‌کند حتی اگر خیابان باشد، همان‌جا می‌ایستد و از پروردگارش عذرخواهی می‌کند.

امام جعفرصادق^(ع):

إِنَّ ... لَا تَرَفُّعَ إِلَيْهِ دُعَاءَ عَبْدٍ فِي ظُلْمَةٍ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخٍ مِنْ خَلْقِهِ.

بررسی امیدبه بخشش خداوند با استغفار در گفت‌وگو با استاد ابوالفضل بهرام‌پور

توبه، پلکان بازگشت به خدا

امید به رحمت خداوند

آیه ۳۰ سوره ص، آیه ای امید بخش است؛ چراکه می‌گوید خدا اگر چه درباره خطا و گناه انذار و هشدار داده و از بندگان خواسته است که از آن دوری کنند و مرتکب خطا و گناه نشوند، اما آنچه از بنده توقع دارد و برایش جذاب است، توبه و برگشت به محض ارتکاب گناه است؛ یعنی برای خدا مهم است که اگر جایی هم از مسیر منحرف شدیم، زود بازگردیم به جای نخست و قبله را پابید کنیم تا گناه ما را در خود نگه ندارد و تاریکمان نکند، لذا بلافاصله توبه دایی هر گناه و خطا، باید توبه و از خدا طلب بخشش کنیم. خدا دوست دارد ما زود به‌سویش بازگردیم و از گناهمان پشیمان شویم.

چرا توبه مهم است؟

توبه برای این مهم است که به بندگان، فرصت گذر از گناه و تاریکی آن را می‌دهد و به او کمک می‌کند با تحولی درونی و با پشیمانی از گناه مرتکب شده، به درگاه الهی برود و امیدوار به بخشش و رحمت و از آن تاریکی باقی نماند. اگر راه توبه بسته بود، گنه‌کاران در آن حال باقی می‌ماندند و هیچ بنده‌ای راه برگشت به مسیر نور و مدنظر خدا را نداشت، لذا امام سجاد^(ع) در «مناجات‌التائبین» به خدای متعال می‌گویند: «خدایا! تشکر می‌کنم که بایی به اسم توبه را به روی من باز کردی!».

توبه باید تبدیل به فرهنگ شود

همین که در دل پشیمان شویم و از گناه لذت نبریم و اذیت شویم، توبه کرده‌ایم. قرآن کریم می‌فرماید هر که توبه کند، می‌پذیریم. در نماز چندین مرتبه به رحمن و رحیم بودن خدا اشاره شده است که این پذیرش توبه و بخشش گناهان، از بزرگ‌ترین جلوه‌های رحمن و رحیم بودن اوست و به انسان امید می‌دهد که با گناه به ورطه ناامیدی از رحمت خدا نیفتد و بداند که راه بازگشت وجود دارد. آن‌ها که به‌دلیل جهل، گناه می‌کنند، باید بلافاصله توبه کنند و این باید به یک فرهنگ غالب و جزئی مهم از سبک زندگی ما تبدیل شود، البته ابتدا باید تلاش کنیم که گناه نکنیم و از آن فاصله بگیریم اما اگر به آن دچار شدیم، باید توبه کنیم؛ توبه باید تبدیل به فرهنگ و عادت شود.

شروط توبه

باید توجه کرد که توبه در لحظه، پرونده اعمال را سبک می‌کند اما آن‌ها که توبه نمی‌کنند، گناهانشان ذره‌ذره روی هم جمع و تبدیل به کوهی از نافرمانی می‌شود؛ البته توبه شرطی دارد. امام علی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «توبه بر چهار پایه استوار است: پشیمانی با قلب، طلب آموزش با زبان، عمل به وسیله اعضا و جوارح، و اراده و تصمیم جدی بر اینکه به گناه و آلودگی گذشته بازگشت نکنند» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۱). لذا این بابی که خداگشوده و امیدی که در بنده ایجاد کرده است، صرفا به لفظ نیست، بلکه انسان باید قلبا ابراز تنفر و پشیمانی کند، درپی جبران برآید و قصدی به تکرار و بازگشت به آن گناه نداشته باشد.

خداوند دعای فردی را که در شکمش لقمه حرام یا به گردن او مظالم یکی از عباد باشد، اجابت نمی‌کند. (بحار، ج ۹۳، ص ۱۲۱).

روشنا

که قرآن است اینجا رهنمایت!

دیدگاه معصومین^(ع) درباره اهمیت قرائت قرآن در زندگی

او در این چندماه، دریافته بود که این کتاب زندگی است و راه‌رسم زندگی‌اش را به خوبی می‌تواند در آن پیدا کند. انمه اطهار^(ع) احادیث متعددی درباره اهمیت قرائت قرآن فرموده‌اند. تأکید و تکرار این احادیث توسط معصومین، برای ما گویای این نکته است که انسان باید با فهم آیات قرآن، راه و روش درست زندگی را دریابد و درست را از غلط تشخیص

احکام

از آداب تلاوت قرآن

پیام خدا را بشنوند و در زندگی خود از آن الهام بگیرند؛ زیرا قرآن فقط کتاب قرائت نیست، بلکه کتاب فهم و درک و سپس عمل است؛ البته در مجالس قرائت قرآن، قرائت هم‌زمان آیات و همراهی با قاری، هرجا و در هر حال فردی که قرآن را تلاوت می‌کند، دیگران به احترام شنیدن کلام الهی سکوت کنند و گوش جان بسپارند و

پرسش:

در موقع تلاوت قرآن در محافل قرآنی یا در نماز، سکوت مناسب‌تر است یا همراهی در قرائت؟

پاسخ اجمالی:

یکی از آداب قرائت قرآن، سکوت و گوش فرادادن به آیات الهی برای تدبیر و دقت در



و سخن نگوییم، زمانی است که قاری، امام جماعت باشد که در این صورت، برای متابعت از امام، بر مأوم واجب است که ساکت باشد و به قرائت امام گوش کند.

